

واکنش بازده سهام صنایع مختلف ایران به تورم و نرخ بهره با رویکرد Panel- ARDL

فریبا عثمانی^۱، علی چشمی^۲، نرگس صالح‌نیا^۳، محمدطاهر احمدی شادمهری^۴*

۱ دانشجوی دکترای اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: fariba.osmani@um.ac.ir

۲ استادیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: a.cheshomi@um.ac.ir

۳ دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد

Email: n.salehnia@um.ac.ir

۴ دانشیار دانشکده اقتصاد، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)

Email: Shadmhri@um.ac.ir

چکیده

با توجه به روند صعودی نرخ تورم و تثبیت نسبی نرخ بهره اسمی در ایران، این پرسش اهمیت می‌یابد که بازده سهام صنایع مختلف چه واکنشی نسبت به این دو متغیر اقتصاد کلان داشته‌اند؟ در این مقاله، به صورت تجربی با داده‌های ماهانه از فروردین ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۴۰۰ با استفاده از مدل Panel- ARDL تاثیر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف ایران بررسی می‌شود. ابتدا برای امکان مقایسه بین شاخص‌های سهام صنایع مختلف، این شاخص‌ها بر اساس ماه پایه همگن شده و سپس مدل برآورد شد. نتایج تجربی نشان می‌دهد که تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر بازده اسمی سهام صنایع مختلف در دوره مورد مطالعه دارد اما تورم بر بازده واقعی در بلندمدت اثر منفی و معناداری دارد. نرخ بهره اسمی در کوتاه‌مدت و بلندمدت سبب کاهش بازده اسمی و واقعی سهام صنایع مختلف می‌شود. علاوه بر این، متغیرهای نرخ ارز، قیمت جهانی نفت و نقدینگی نیز به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شدند. این نتایج، به سرمایه‌گذاران نشان می‌دهد سهام در بلندمدت نتوانسته محافظ مناسبی در مقابل تورم باشد و مقامات پولی هنگام مدیریت نرخ بهره باید به اثرات آن بر بازار سهام توجه کنند.

واژگان کلیدی: تورم، نرخ بهره، شاخص سهام، صنایع، رویکرد Panel- ARDL.

طبقه‌بندی JEL: E31, E44, G0

The reaction of stock returns of Iranian different industries to inflation and interest rates with the Panel-ARDL approach

Fariba Osmani¹, Ali Cheshomi², Narges Salehnia³, Mohammad- Taher Ahmadi Shadmehri^{4*}

1. PhD student in Economics, Ferdowsi University of Mashhad
Email: fariba.osmani@um.ac.ir
2. Assistant Professor, Faculty of Economic, Ferdowsi University of Mashhad
Email: a.cheshomi@um.ac.ir
3. Associate Professor, Faculty of Economic, Ferdowsi University of Mashhad
Email: n.salehnia@um.ac.ir
4. Associate Professor, Faculty of Economic, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author)
Email: Shadmehri@um.ac.ir

Abstract

Considering the upward trend of the inflation rate and the relative stabilization of the nominal interest rate in Iran, this question becomes important: how have the stock returns of different industries reacted to these two macroeconomic variables? In this article, the effect of inflation and interest rate on stock returns of different industries of Iran is investigated empirically with monthly data from April 2010 to March 2022 using Panel-ARDL model. First, for the possibility of comparison between stock indices of different industries, these indices were homogenized based on a base month and then the model was estimated. Empirical results show that inflation in the short and long term has a positive and significant effect on the nominal returns of stocks of various industries in the studied period, but inflation has a negative and significant effect on the real returns in the long term. The nominal interest rate in the short and long term causes a decrease in the nominal and real returns of stocks of various industries. In addition, the variables of exchange rate, global oil price and liquidity were also considered as control variables. These results show investors that stocks have not been able to protect against inflation in the long term, and monetary authorities should pay attention to its effects on the stock market when managing interest rates.

Keywords: Inflation, Interest rate, Industry stock index, Panel-ARDL approach.

Classification JEL: G0, E44, E31

مقدمه

بازار سهام یکی از مهم‌ترین بخش‌ها، برای جذب سرمایه‌گذاری و افزایش رشد اقتصادی هر کشور است. در واقع، قیمت سهام، یکی از شاخص‌های مهم سنجش وضعیت فعالیت اقتصادی کشورهاست (استوک و واتسون^۱، ۲۰۰۳؛ راپاچ و وبر^۲، ۲۰۰۴؛ ابرزی و همکاران، ۱۳۸۱). بهبود بازار سهام می‌تواند سبب بهبود اقتصاد کلان و رشد اقتصادی می‌شود (Tangjitprom, 2012). از این‌رو، مطالعات زیادی عوامل تاثیرگذار بر بازار سهام را تحلیل کرده‌اند. گرچه متغیرهای مالی عمده‌ترین عوامل تاثیرگذار بر قیمت سهام هستند (Valcarcel, 2012)، اما متغیرهای کلان مثل تورم و نرخ بهره نیز بر بازار سهام تاثیرگذار هستند (Rapach & Zhou, 2013). در سال‌های اخیر، نرخ تورم بالا به یک معضل مهم در ایران تبدیل شده است. تورم پدیده‌ای پیچیده و دارای ابعاد گوناگون است. در واقع، نرخ تورم محاسبه شده توسط شاخص قیمت مصرف‌کننده^۳ (CPI)، نشان‌دهنده افزایش سطح عمومی قیمت کالاها و خدمات است (گتھا و همکاران^۴، ۲۰۱۱؛ بای^۵، ۲۰۱۴؛ لوسی و همکاران^۶، ۲۰۱۷). از مهم‌ترین دلایل ایجاد تورم در ایران، رشد نقدینگی، رشد نرخ ارز، افزایش کسری بودجه دولت، کاهش رشد اقتصادی و انتظارات تورمی بالاست. ضمن اینکه در زمان‌های مختلف نیز ممکن است نقش و سهم عوامل برشمرده در تورم و نوسانات آن متفاوت باشد. تورم هزینه‌های زیادی را به جامعه تحمیل می‌کند. علاوه بر این، تورم و

¹. Stock & Watson

². Rapach & Weber

³. Consumer Price Index

⁴. Geetha et al

⁵. Bai

⁶. Lucey et al

بی‌ثباتی‌های آن می‌تواند سبب ایجاد اختلال در نظام تخصیص قیمت‌ها، بر هم خوردن توزیع درآمد، بی‌اعتبار شدن سیاست‌های پولی و در نهایت بی‌ثباتی سیاسی شود (گنثا و همکاران، ۲۰۱۱: پورکاظمی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین تورم از مهم‌ترین متغیرهای کلان اقتصادی است که بررسی اثرات آن بر بازارهای مختلف مثل بازار سهام اهمیت دارد (گوپتا و اینگلسی-لوتز^۱، ۲۰۱۲: عظیمی و همکاران، ۱۳۹۲). هادی‌پور و همکاران (۱۴۰۰) استدلال کردند که تورم یکی از عوامل ایجادکننده تلاطم در بورس اوراق بهادار تهران است. نظریه‌ها در رابطه با اثر تورم بر بازده سهام متفاوت است. برخی نظریات معتقدند بین تورم و بازار سهام رابطه منفی برقرار است (Fama, 1981). برخی نظریات نیز استدلال می‌کنند که بازار سهام محافظ خوبی در برابر تورم است (Fisher, 1930).

به اعتقاد منکیو^۲ (۲۰۱۵)، نرخ بهره یکی از مهم‌ترین متغیرهای اقتصاد کلان است. نرخ بهره، هزینه قرض گرفتن یا به عبارتی هزینه فرصت نگهداری پول نقد است. نرخ بهره بر بازارهای مختلف از جمله بازار سهام اثرگذار است. هنگامی که نرخ بهره تغییر می‌کند، انتظار سرمایه‌گذاران نیز تغییر می‌کند که بر بازده و قیمت سهام تاثیر می‌گذارد. تاثیر نرخ بهره بر بازار سهام از دو کانال رخ می‌دهد. یک، با تغییر نرخ بهره، قیمت اوراق بهادار تغییر می‌کند که این منجر به تغییر ساختار سبد سرمایه‌گذاران بین سهام و اوراق بهادار می‌شود. دو، افزایش نرخ بهره، منجر به هدایت سرمایه‌گذاران به سمت بازار پول می‌شود که این سبب کاهش تقاضا برای سهام و در نتیجه کاهش قیمت سهام می‌شود (Zafar et al., 2008). با وجود اینکه اثر تورم و نرخ بهره بر شاخص کل سهام در مطالعات متعددی تحلیل شده، اما اثر این دو متغیر بر بازده سهام صنایع مختلف کمتر مطالعه شده است (عثمانی و همکاران، ۱۴۰۱: آسیدو و همکاران^۳، ۲۰۲۱).

در ایران طی سال‌های اخیر، حفاظت از ارزش دارایی‌ها در مقابل تورم برای سرمایه‌گذاران اهمیت بیشتری پیدا کرده است. از طرف دیگر، بالا بردن نرخ بهره نیز نگرانی‌هایی به خاطر رکود احتمالی در بازار سهام به وجود آورده است. نرخ تورم شدید، نرخ بهره دستوری و کاهش بی‌سابقه ارزش پول ملی ایران، سرمایه‌گذاران را تشویق می‌کند که به دنبال سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی باشند که تورم فزاینده را به خوبی پوشش دهد تا ارزش واقعی دارایی‌هایشان در شرایط تورمی حفظ شود. علاوه بر این، در سال‌های اخیر به ویژه بعد از آزادسازی سهام عدالت در سال ۱۳۹۹، بیش از ۶۰ درصد از جمعیت ایران عضو بورس شدند (سازمان بورس اوراق بهادار تهران^۴). بنابراین با توجه به افزایش تعداد سهامداران در بورس و رشد فزاینده تورم و نگرانی در مورد اثرات نرخ بهره بر بورس، مسئله اصلی این مقاله چنین است: نرخ تورم و نرخ بهره بر بازده اسمی و حقیقی سهام صنایع مختلف در دوره مورد مطالعه در کوتاه‌مدت و بلندمدت چقدر اثرگذار هستند؟

روش مطالعه به این صورت است که اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف ایران با داده‌های ماهانه فروردین ۱۳۸۹- اسفند ۱۴۰۰ با استفاده از روش اقتصادسنجی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده پانلی^۵ برآورد خواهد شد. همچنین، نرخ ارز، و قیمت نفت و نقدینگی نیز به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته خواهد شد. این مطالعه از چند جهت به ادبیات کمک می‌کند. یک) علیرغم اهمیت محوری سوالات بالا، مطالعه جامعی به بررسی واکنش تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف در ایران نپرداخته است، بنابراین به دانش ما، این مطالعه برای اولین بار اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف ایران را با رویکرد Panel- ARDL مورد بررسی قرار می‌دهد. دو) برای همگنی و قابل مقایسه بودن صنایع مختلف مورد مطالعه، ابتدا بازده سهام هر صنعت براساس شروع دوره (ماه اول) شاخص‌سازی می‌شود، سپس اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام (شاخص‌سازی شده) مورد تحلیل قرار می‌گیرد. سه) استفاده از مدل Panel- ARDL برای بررسی روابط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین تورم و نرخ بهره با بازده سهام صنایع مختلف، نتایج مفیدی ارائه می‌دهد. از این‌رو این مطالعه به دنبال شناسایی واکنش بازده سهام صنایع مختلف به تغییرات تورم و نرخ بهره است.

مبانی نظری پژوهش

1. Gupta & Inglesi-Lotz

2. Mankiw

3. Asiedu et al

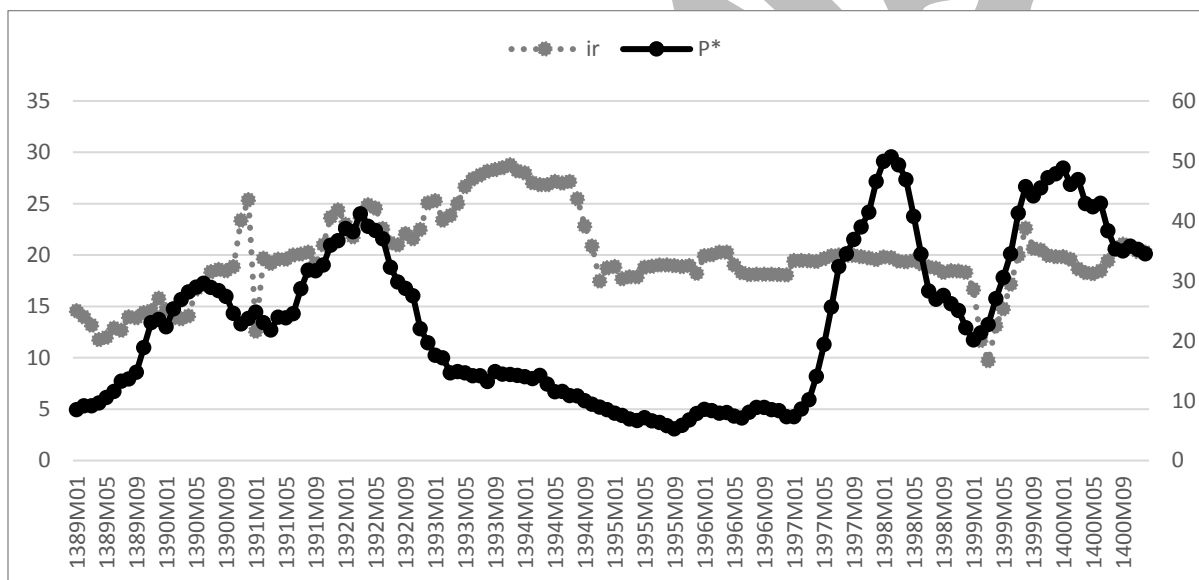
4. <https://www.seo.ir/https://rdis.seo.ir/fa/category/list/19/>

5. Panel- Auto Regressive Distribution Lag

در این بخش، ابتدا روند تورم و نرخ بهره در دوره مورد مطالعه بررسی می‌شود. سپس مبانی نظری اثر تورم بر بازده سهام و اثر نرخ بهره بر بازده سهام آمده است. در انتها نیز پیشینه تحقیق نیز شامل مطالعات خارجی و مطالعات داخلی مرور می‌شود.

روند نرخ تورم و نرخ بهره در دوره مورد مطالعه

اقتصاد ایران طی سال‌های گذشته همواره در معرض نرخ تورم بالا بوده است. از سال ۱۳۸۹، پس از اجرای برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و نیز گسترش بی‌سابقه تحریم‌های بین‌المللی، نرخ تورم در ایران روند صعودی را در پیش گرفته است و از ۱۲/۴ درصد در سال ۱۳۸۹ به بالای ۴۰ درصد در سال ۱۴۰۰ رسیده است (بانک مرکزی^۱).



شکل ۱. نرخ تورم نقطه به نقطه (سمت چپ) و نرخ بهره بین بانکی اسمی (سمت راست) از فروردین ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۴۰۰

شکل (۱)، روند تورم نقطه به نقطه نسبت به ماه مشابه سال قبل و نرخ بهره بین‌بانکی ماهانه را نشان می‌دهد. در نمودار بالا، نرخ تورم، سه نقطه صعودی در تاریخ‌های خرداد ۱۳۹۲، خرداد ۱۳۹۸ و فروردین ۱۴۰۰ را تجربه کرده است. علاوه بر این، کمترین مقدار را در پاییز ۱۳۹۵ داشته است. نرخ بهره بین بانکی اسمی بیشترین مقدار را در پاییز و زمستان ۱۳۹۳ داشته است و کمترین مقدار را در خرداد ۱۳۹۹ تجربه کرده است. همانطور که مشاهده می‌شود دو خط تقریباً الگوی متفاوتی را با شدت‌های مختلف تجربه کردند.

اثر تورم بر بازده سهام

نظریه‌ها مختلفی رابطه بین تورم و بازار سهام را بررسی کردند. اولین بار فیشر (۱۹۳۰)، رابطه بین نرخ بازده و تورم مورد انتظار را تحلیل کرد. نتایج فیشر، بیانگر این بود که بازده اسمی سهام با نرخ تورم مورد انتظار تغییر می‌کند و بازده واقعی، مستقل از تورم است و با عوامل واقعی تعیین می‌شود. به عبارتی، سهام سپر مناسبی در برابر تورم است. فیشر معتقد بود که بخش‌های واقعی و پولی اقتصاد کاملاً مستقل از یکدیگر هستند، این موضوع تحت عنوان "فرضیه فیشر" شناخته می‌شود. فرضیه فیشر به عنوان چارچوب و مبانی نظری میان بازده سهام و متغیرهای کلان به ویژه تورم بکار گرفته می‌شود. فیشر استدلال کرد که با افزایش نرخ تورم، سرمایه‌گذاران، انتظار تورم

1. <https://www.cbi.ir/>

بیشتری در آینده خواهند داشت و بنابراین این امر سبب رشد نرخ بازده اسمی در آینده خواهد شد. از دهه ۱۹۷۰ به بعد برخی مطالعات تجربی، رابطه منفی میان بازده سهام و تورم بدست آوردند (مودیگیلیانی و کان^۱، ۱۹۷۹؛ فلدشتاین^۲، ۱۹۸۰؛ فاما، ۱۹۸۱). برای توضیح رابطه منفی بین تورم و بازده سهام، فرضیه‌های زیادی بیان شد. مودیگیلیانی و کان (۱۹۷۹)، استدلال کردند که سرمایه‌گذاران دارای توهم تورمی هستند. بنابراین با افزایش تورم، تمایل دارند سود سهام آتی انتظاری خود را با نرخ بهره اسمی بالاتری، تنزیل کنند و این به نوبه خود منجر به ایجاد رابطه منفی بین بازده سهام و تورم می‌شود. فلدشتاین (۱۹۸۰)، از طریق فرضیه اثر مالیات، رابطه منفی میان تورم و بازده سهام را توضیح داد. فاما (۱۹۸۱)، رابطه معکوس میان تورم و بازده سهام را با اثر زنجیره‌ای توضیح می‌دهد. فاما در مطالعه خود برعکس فرضیه فیشر به این نتیجه رسید که تورم و بازده سهام رابطه منفی دارند. فاما استدلال می‌کند که تاثیر اساسی تورم، کاهش میل به سرمایه‌گذاری است. در واقع در شرایط تورمی، پس‌انداز کم می‌شود. زیرا در شرایط تورمی، قدرت خرید مردم بشدت کاهش می‌یابد و با بالا رفتن هزینه‌های زندگی، امکان پس‌انداز باقی نمی‌ماند. کاهش قدرت پس‌انداز مردم سبب کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش قیمت سهام می‌شود. در خصوص نحوه تاثیر تورم بر قیمت سهام ذکر این نکته ضروری است که هر چند تورم از طریق کانال نرخ تنزیل تاثیر منفی بر قیمت سهام دارد ولی اگر تورم و افزایش قیمت محصول شرکت‌های بورسی بیشتر از رشد هزینه‌های تولید باشند، در این صورت سود بنگاه‌ها افزایش یافته و تورم از کانال جریان وجوه نقدی آتی عایدی‌ها، می‌تواند تاثیر مثبتی بر قیمت سهام داشته باشد، بدیهی است در این صورت برآیند این دو اثر مخالف هم، نحوه تاثیر تورم بر قیمت و بازدهی سهام را تعیین خواهد کرد.

اثر نرخ بهره بر بازده سهام

اقتصاددانان کلاسیک معتقدند که دو عامل تقاضای سرمایه‌گذاری و پس‌انداز، تعیین‌کننده نرخ بهره در بازار سرمایه هستند. بر طبق تئوری اقتصاددانان کلاسیک، پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران با یک عامل مشترک (نرخ بهره) در بازار تصمیم‌گیری می‌کنند. در این تئوری، تقاضای سرمایه‌گذاری، تابع معکوس از نرخ بهره است و پس‌انداز نیز تابع مستقیمی از نرخ بهره است. بنابراین در صورتی نرخ بهره در تعادل است که مقدار پس‌انداز مساوی مقدار سرمایه‌گذاری باشد. اما اقتصاددانان کینزی متقدند که پس‌اندازکنندگان و سرمایه‌گذاران یک گروه واحد نیستند بلکه دو گروه مختلف هستند که به دلایل مختلفی وارد بازار شدند. بنابراین به اعتقاد آن‌ها پس‌انداز و سرمایه‌گذاری تعیین‌کننده درآمد ملی تعادلی هستند و نرخ بهره توسط بازار پول تعیین می‌شود (تفضلی، ۱۳۹۳).

تحلیلگران بنیادی معتقدند که سهام هر شرکت، ارزش ذاتی مشخصی دارد که تحت تاثیر منافع آتی سهام قرار دارد. بنابراین، برآورد عایدات آتی، ارزش سهام را مشخص می‌کند. از طرفی، هزینه فرصت نگهداری پول، نرخ بهره است و عایدات آتی سهام با نرخ تنزیل تعدیل می‌شوند. از این‌رو، با توجه به ماهیت آینده‌نگر بازار سهام، کاهش نرخ بهره، سبب افزایش ارزش سهام می‌شود. علاوه بر این، اگر سرمایه‌گذار بخواهد بین سرمایه‌گذاری در بانک و بورس سهام تصمیم‌گیری کند، باید بازده دارایی‌ها را با هم مقایسه کند. سرمایه‌گذار زمانی سرمایه‌گذاری در بازار سهام را ترجیح می‌دهد که بازدهی بازار سهام بالاتر از بازدهی بانک باشد. بنابراین، افزایش نرخ بهره، بازدهی سرمایه‌گذاری در بانک را بالا می‌برد و سبب کاهش جذابیت بازار سهام می‌شود (Mehrotra & Schanz, 2020).

تغییرات در نرخ بهره از دو مسیر سبب اثرگذاری بر قیمت سهام می‌شود. یک سرمایه‌گذار انتظار ادامه روند افزایشی نرخ بهره را زمانی که نرخ بهره افزایش می‌یابد، دارد. دو) با افزایش نرخ بهره، هزینه سرمایه شرکت و هزینه سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. اثر خالص نرخ بهره بر قیمت سهام، از طریق برآیند دو اثر ذکرشده تعیین می‌شود. اگر بانک مرکزی، نرخ بهره را افزایش دهد، سرمایه‌گذاران انتظار روند افزایشی نرخ بهره را دارند. بنابراین، اثر اول بر اثر دوم غالب می‌شود. اما بعد از گذشت نرخ بهره به مقدار آستانه، سرمایه‌گذاران کمتری، انتظار روند افزایشی نرخ بهره را دارند. علاوه بر این، نرخ بهره بالاتر، سبب افزایش هزینه بنگاه و کاهش سود شرکت‌ها می‌شود. در نتیجه اثر دوم بر اثر اول غالب می‌شود (پدرام و همکاران، ۱۳۹۵؛ طیب‌ثانی و نزشتی، ۱۴۰۱). در واقع، نرخ بهره از کانال‌های مختلفی بر بازار سهام اثر می‌گذارد. نرخ بهره اسمی، تعیین‌کننده انتخاب بین دارایی سهام و اوراق بهادار توسط سرمایه‌گذاران است. هنگامی که نرخ بهره

^۱ . Modigliani & Cohn

^۲ . Feldstein

افزایش می‌یابد، سرمایه‌گذاران به منظور کسب بازده بیشتر به سرمایه‌گذاری در حساب‌های بانکی و اوراق بهادار تشویق می‌شوند و در نتیجه تقاضا برای سهام کاهش می‌یابد که منجر به کاهش قیمت و بازده سهام می‌شود. اما هنگامی که نرخ بهره کاهش می‌یابد، سرمایه‌گذاری در بازار سهام برای سرمایه‌گذاران جذابتر می‌شود (Zafar et al., 2008).

پیشینه تحقیق

جاننو و همکاران^۱ (۲۰۱۶)، رابطه بین تورم و نرخ بهره را با بازار سهام بخش‌های مختلف ایالات متحده در دوره ۲۰۰۳-۲۰۱۳ با رویکرد پنل کوانتایل مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که تورم و نرخ بهره در طول زمان و در بخش‌های مختلف، اثرات متفاوتی بر بازار سهام می‌گذارد. علاوه بر این، آن‌ها دریافتند که نرخ بهره و تورم در شرایط رونق بازار، اثر بیشتری بر بازده سهام دارد. تجزیه و تحلیل بخشی آن‌ها نشان داد که بخش فناوری اطلاعات، مراقبت‌های بهداشتی، خدمات مخابراتی، مواد و صنایع بیشتر از سایر بخش‌ها تحت تاثیر نرخ بهره و تورم قرار گرفتند. اما تورم و نرخ بهره کمترین اثر را بر بخش انرژی و امور مالی داشته است. پاپادامو و همکاران^۲ (۲۰۱۷)، به بررسی اثر نرخ بهره بر بازده سهام طی دوره ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۸ پرداختند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که نرخ بهره اثر منفی بر بازده سهام در کشورهای در حال توسعه دارد. القراله^۳ (۲۰۲۰)، رابطه بین بازده بازار سهام و تورم را در کشورهای G7 با رویکرد ARDL بررسی کرد و دریافت که نتایج او در حمایت از فرضیه فیشر بوده است و بین تورم و بازده سهام در کشورهای مورد مطالعه رابطه مثبتی وجود دارد. جلیلوف و همکاران^۴ (۲۰۲۰)، اثر تورم بر بازده سهام در نیجریه را با داده‌های روزانه از تاریخ ۲۷ فوریه ۲۰۲۰ تا ۳۰ آوریل ۲۰۲۰ مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها برای این ارزیابی از روش GARCH استفاده کردند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که تورم اثر منفی بر بازده سهام دارد. در واقع، نتایج آن‌ها، فرضیه فیشر را رد کرد. آسیدو و همکاران^۵ (۲۰۲۱)، اثر نرخ تورم و نرخ بهره بر عملکرد بازار سهام بخشی در غنا را با داده‌های ماهانه ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۶ با رویکرد VECM مورد ارزیابی قرار دادند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که تورم با بازده سهام بخشی رابطه منفی دارد. علاوه بر این، آن‌ها دریافتند که بخش نفت بیشتر از سایر بخش‌ها تحت تاثیر تورم قرار دارد.

پاشایی‌فام و امیدپور (۱۳۸۸)، در مطالعه‌ای اثر نرخ تورم را بر بخش‌های مختلف اقتصادی به ویژه بازار سرمایه با داده‌های فصلی ۱۳۶۹ تا ۱۳۸۵ و رویکرد GARCH مورد بررسی قرار دادند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که بین تورم و بازده واقعی سهام در بلندمدت رابطه منفی وجود دارد. موسوی حقیقی و راغب (۱۳۹۳)، به بررسی اثر تورم بر عملکرد بازار سهام با استفاده از داده‌های سری زمانی ماهانه طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ و رویکرد ARDL پرداختند. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر عملکرد سهام در دوره مورد بررسی دارد. مهدی‌آبادی و محمدی‌پور (۱۳۹۸)، در مطالعه‌ای به بررسی اثر نرخ بهره بر عملکرد بازار سهام در ایران با رویکرد GARCH پرداخته است. نتایج تجربی آن‌ها نشان داد که نرخ بهره اثر منفی بر نسبت قیمت به درآمد بورس اوراق بهادار تهران دارد.

همانطور که در بالا مشاهده می‌شود، مطالعات تجربی متعددی رابطه بین تورم، نرخ بهره و عملکرد بازار سهام را مورد تحلیل قرار دادند اما بر بررسی اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف متمرکز نشده‌اند. بنابراین این مطالعه واکنش بازده سهام صنایع مختلف را نسبت به تورم و نرخ بهره مورد تحلیل قرار می‌دهد. بررسی واکنش بازده سهام صنایع مختلف به تورم و نرخ بهره در شناسایی سهام مناسب برای سرمایه‌گذاری در شرایط تورمی مختلف به سرمایه‌گذاران در کاهش ریسک پرتفوی‌هایشان کمک فراوانی می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

داده‌ها

- 1 . Jareño et al
- 2 . Papadamou et al
- 3 . Alqaralleh
- 4 . Jelilov et al
- 5 . Asiedu et al

داده‌های متغیرهای این مقاله به صورت ماهانه در دوره فروردین ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۴۰۰ است. متغیر وابسته، شاخص قیمت (*PS) ۱۵ صنعت شامل ماشین‌آلات، کاشی و سرامیک، زراعت، بانک، سیمان، محصولات کاغذ، مواد دارویی، لاستیک، منسوجات، خودرو، قند و شکر، فلزات اساسی، کانه فلزی، حمل و نقل و شیمیایی است. البته چون مقادیر این شاخص‌ها با یکدیگر تفاوت دارد برای همگن‌سازی این شاخص‌ها براساس ماه پایه فروردین ۱۳۸۹ شاخص‌سازی شده است تا امکان مقایسه صنایع فراهم شود. سایر متغیرهای مستقل در این مطالعه شامل نرخ ارز، نرخ بهره بین بانکی، قیمت نفت و نقدینگی است که تعریف و منبع آن‌ها در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. معرفی متغیرها و منابع آن‌ها

متغیرها	تعریف	منبع
PS	شاخص قیمت سهام صنایع مختلف در بورس تهران	سازمان بورس اوراق بهادار تهران (SEO)
PS*	شاخص فرعی ساخته شده از PS براساس شروع دوره (فروردین ۱۳۸۹) -	-
TI	شاخص کل بازار سهام	سازمان بورس اوراق بهادار تهران (SEO)
R	بازده واقعی سهام	$R = \left(\frac{PS_t - PS_{t-1}}{PS_{t-1}} \right) * 100$
CPI	شاخص قیمت مصرف‌کننده (سال پایه ۱۳۹۵) %	مرکز آمار ایران
E	نرخ ارز غیررسمی (ریال)	بانک مرکزی ایران
IR	نرخ بهره بین بانکی %	بانک مرکزی ایران
O	قیمت نفت برنت (دلار)	بانک مرکزی ایران
M	نقدینگی (میلیارد ریال)	بانک مرکزی ایران

مدل اقتصادسنجی Panel-ARDL

در این مطالعه بعد از محاسبه شاخص فرعی (*PS)، برای بررسی اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف ایران، از الگوی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده‌ی پنلی^۱ (Panel-ARDL) استفاده می‌شود. با بهره‌گیری از تئوری‌ها و مطالعات تجربی مختلف در خصوص اثر متغیرهای کلان اقتصادی بر بازار سهام، عوامل اثرگذار بر بازده سهام صنایع مختلف با تاکید بر تورم و نرخ بهره به صورت رابطه (۱) در نظر گرفته شده است:

$$PS_{*it} = \beta_1 CPI_{it} + \beta_2 E_{it} + \beta_3 IR_{it} + \beta_4 O_{it} + \beta_4 M_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

که در رابطه (۱)، اندیس i و t به ترتیب صنایع مختلف و زمان را نشان می‌دهد. Y : متغیر وابسته است و بیانگر بازده سهام صنایع مختلف است که از شاخص قیمت سهام بدست آمده است. متغیرهای مستقل در این مطالعه، شامل CPI: شاخص قیمتی مصرف‌کننده، E: نرخ ارز غیررسمی، IR: نرخ بهره بین بانکی، O: قیمت نفت برنت و M: نقدینگی است. با تبیین فرم تابعی الگو، اثر عوامل کلان اقتصادی شامل تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف ایران، رابطه (۱) ارتباط کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها را در قالب الگوی خود توضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL) و در چارچوب پانل مورد ارزیابی قرار می‌دهد.

رویکرد خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده (ARDL)، مزایای زیادی نسبت به سایر روش‌های اقتصادسنجی دارد. روش ARDL، نسبت به سایر رویکردهای اقتصادسنجی در نمونه‌های کوچک، قدرت توضیح‌دهندگی بالاتری دارد. همچنین در این روش، ماهیت ایستایی متغیرهای موجود در مدل، رابطه همگرایی بین متغیرها را می‌تواند بررسی کند. از همه مهم‌تر اینکه، در روش مذکور، می‌توان روابط بلندمدت و کوتاه‌مدت بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل را به طور همزمان تحلیل کرد (Pesaran & Shin, 1998). رویکرد ARDL، شامل سه روش متفاوت روش میان‌گروهی^۲ (MG)، روش میان‌گروهی تلفیقی^۳ (PMG) و روش اثرات ثابت پویا^۴ (DEF) است که روابط

1. Panel- Auto Regressive Fixed Effect
2. Mean Group
3. Pooled Mean Group
4. Dynamic Fixed Effect

کوتاه‌مدت و بلندمدت بین متغیرها را برآورد می‌کند. این روش‌ها از حداکثر راست‌نمایی برای برآورد روابط استفاده می‌کنند. در این مطالعه به منظور بررسی اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع در ایران از رابطه زیر در چارچوب Panel-ARDL استفاده می‌شود.

$$DY_{it} = f_{i,t-1} + \beta_i^* X_{it} + \sum_{j=1}^{p-1} l_{ij}^* DY_{i,t-j} + \sum_{j=0}^{q-1} g_{ij}^* DX_{i,t-j} + m_i + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

در معادله (۲): $i = 1, 2, \dots, N$ معرف تعداد صنایع، $t = 1, 2, \dots, T$ معرف دوره زمانی است. علاوه بر این، Y_{it} متغیر وابسته و X_{it} متغیرهای مستق مدلی هستند.

برآورد و نتایج تجربی

پیش از برآورد مدل برای اطمینان به نتایج، نخست باید پیش‌آزمون‌هایی مربوط به هر مدل اقتصادسنجی انجام شود. در ادامه این مطالعه نیز، آزمون هم‌خطی بین متغیرها، خودهمبستگی و مانایی بررسی می‌شود. ابتدا آزمون VIF (Belsley et al., 2005)، برای بررسی هم‌خطی بین متغیرها انجام گرفت. نتایج آزمون VIF، در جدول (۲) ارائه شد که نشان می‌دهد مقادیر VIF برای همه متغیرها کمتر از استاندارد معمول پذیرفته شده یعنی ۱۰ است. همچنین، میانگین VIF متغیرها برابر با ۲/۸۴ به دست آمده که از مقدار استاندارد پذیرفته شده برای میانگین VIF، یعنی ۶ کمتر است. بنابراین، مشکل هم‌خطی بین متغیرها وجود ندارد.

جدول ۲: نتایج آزمون VIF

نام متغیر	VIF	میانگین VIF
CPI	۴/۵۶	۲/۸۴
E	۲/۳۸	
IR	۱/۰۱	
O	۱/۲۲	
M	۵/۰۷	

اگر $t > n$ باشد، بایستی از آزمون LM (Breusch & Pagan, 1980)، برای تشخیص همبستگی مقطعی در داده‌های پانل استفاده شود. در این مطالعه نیز تعداد دوره زمانی ۱۴۴ ماه از تعداد صنایع ۱۵ صنعت بیشتر است. بنابراین از آزمون LM برای تشخیص همبستگی مقطعی استفاده می‌شود. نتایج آزمون LM، بیانگر این است که فرضیه صفر (وجود استقلال مقطعی) رد می‌شود. بنابراین همبستگی مقطعی در همه متغیرهای مدل وجود دارد. با توجه به نتایج آزمون همبستگی مقطعی، در این مرحله آزمون ریشه واحد (CIPS) (Pesaran, 2007)، برای بررسی ثابت بودن متغیرها استفاده می‌شود. فرض صفر آزمون ریشه واحد پانل (CIPS) این است که همه سری‌ها دارای ریشه واحد هستند. نتایج حاصل از آزمون های CIPS در جدول (۴) ارائه شده است. نتایج بیانگر این است که متغیر PS^* در سطح ماناست. با این وجود، سایر متغیرها در سطح مانا نیستند. اما با وارد کردن متغیرها به صورت لگاریتم، مشاهده می‌شود که تمامی متغیرها به صورت لگاریتم مانا هستند.

جدول ۴: نتایج آزمون CIPS

متغیرها	$CIPS^*$	متغیرها	$CIPS^*$
PS*	-۲/۵۸	LPS	-۳/۸۶
CPI	-۱/۵۴۴	LCPI	-۲/۹۵
E	-۲/۱۲۱	LE	-۳/۹۵
IR	-۱/۹۳۳	LIR	-۳/۱۵
O	-۲/۷۸۴	LO	-۴/۱۲
M	-۲/۶۸۴	LM	-۲/۹۵۹

مقادیر بحرانی در سطح ۱۰٪ (-۲/۷۳)، در سطح ۵٪ (-۲/۸۶) و در سطح ۱٪ (-۳/۱) است.

بعد از بررسی مانایی متغیرها، از آزمون هم‌انباشتگی (Pedroni, 1999; Kao, 1999) مانند مطالعه (Azam & Raza, 2016)، برای بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها استفاده شده است. نتایج آزمون هم‌انباشتگی در جدول (۵) نشان می‌دهد که فرضیه صفر (عدم هم‌انباشتگی) در هر دو آزمون رد می‌شود. از این‌رو، نتایج این آزمون بیان‌کننده این است که رابطه بلندمدت بین نرخ تورم و متغیرهای مستقل وجود دارد.

جدول ۵: آزمون هم‌جمعی کاوو و پدرونی

آزمون هم‌جمعی Pederoni			آزمون هم‌جمعی Kao		
سطح احتمال	آماره آزمون	برآوردگر	سطح احتمال	آماره آزمون	برآوردگر
۰/۰۰۰۰	-۶/۸۳۲	Modified Phillips-Perron t	۰/۰۰۰۰	-۴/۱۸۴	Modified Dickey-Fuller t
۰/۰۰۰۰	-۷/۷۸۹	Phillips-Perron t	۰/۰۰۰۰	-۳/۸۵۱	Dickey-Fuller t
۰/۰۰۰۰	-۷/۷۶۹	Augmented Dickey-Fuller t	۰/۰۰۰۰	-۳/۷۷۵	Augmented Dickey-Fuller t
			۰/۰۰۰۰	-۱۸/۶۴۳	Unadjusted modified Dickey-Fuller t
			۰/۰۰۰۰	-۶/۶۳۷	Unadjusted Dickey-Fuller t

بعد از بررسی پیش‌آزمون‌ها، اثر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف با رویکرد الگوی خودتوضیحی با وقفه‌های گسترده پانلی برآورد می‌شود. نتایج برآورد رویکرد Panel-ARDL در جدول (۶) ارائه شده است.

جدول ۶: نتایج برآورد مدل بازده اسمی صنایع در کوتاه‌مدت و بلندمدت Panel-ARDL

متغیر	مدل سه			مدل دو			مدل یک		
	Prob.	آماره z	ضرایب	Prob.	آماره z	ضرایب	Prob.	آماره z	ضرایب
LCPI	-	-	-	۰/۰۰۰	۴/۰۰	۱/۱۶۴	۰/۰۰۰	۵/۹۲	۲/۱۸۹
LE	۰/۰۰۰	۱۱/۸۶	۱/۵۵۸	۰/۰۰۲	۳/۱۱	۰/۵۷۰	۰/۰۰۴	۲/۸۵	۰/۴۹۲
LIR	۰/۰۰۰	-۴/۲۸	-۰/۷۹۶	۰/۰۰۰	-۵/۵۷	-۱/۰۵۸	۰/۰۰۰	-۶/۳۳	-۱/۱۶۶
LO	۰/۰۰۰	-۳/۹۷	-۰/۵۲۳	۰/۰۰۰	-۳/۵۴	-۰/۴۳۰	۰/۰۰۰	-۴/۷۱	-۰/۵۷۲
LM	۰/۲۱۴	-۱/۲۴	-۰/۲۰۴	-	-	-	۰/۰۰۰	-۳/۷۱	-۰/۷۵۶
ECT	۰/۰۰۰	-۱۶/۴۹	-۰/۱۴۳	۰/۰۰۰	-۱۱/۸۱	-۰/۱۲۶	۰/۰۰۰	-۱۱/۷۳	-۰/۱۳۳
D1 LCPI	-	-	-	۰/۰۰۰	۱۷/۵۷	۱/۸۶۵	۰/۰۰۰	۱۶/۰۶	۱/۸۱۴
DILE	۰/۰۰۰	۵/۰۴	۰/۳۵۷	۰/۱۵۲	-۱/۴۳	-۰/۱۲۰	۰/۲۰۶	-۱/۲۷	-۰/۱۰۶
DILIR	۰/۰۰۰	-۴/۵۱	-۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	-۶/۶۲	-۰/۲۶۹	۰/۰۰۰	-۶/۴۲	۰/۲۶۰
DILO	۰/۴۴۹	۰/۷۶	۰/۰۲۸	۰/۷۴۷	-۰/۳۲	-۰/۰۱۲	۰/۸۱۰	۰/۲۴	۰/۰۰۸
DILM	۰/۰۰۰	۱۰/۴۱	۰/۰۹۵	-	-	-	۰/۰۴۹	۱/۹۷	-۰/۰۲۰
cons	۰/۰۰۰	-۱۲/۸۷	-۰/۲۹۹	۰/۳۷۱	۰/۸۹	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۱۲/۰۱	۱/۲۳۸
Hausman Test	۳/۴۴۸(۰/۳۰۰)			۳/۸۴۱(۰/۳۱۶)			۳/۶۴۱(۰/۳۱۴)		

نکته: مدل یک^۱ شامل همه متغیرهای مستقل، مدل دو^۲، بدون نقدینگی و مدل سه^۳، بدون تورم).

نتایج آزمون هاسمن^۱ (۱۹۷۸)، در مدل یک نشان‌دهنده این است که برآوردگر PMG از کارایی و سازگاری لازم برای برآورد مدل این مطالعه برخوردار است. ضریب جمله تصحیح خطا، وجود رابطه بلندمدت معنادار میان متغیرهای الگو را نشان می‌دهد. ضریب جمله

1. Model one: LPS*= LCPI+ LE+ LIR+ LO+ LM

2. Model two: LPS*= LCPI+ LE+ LIR+ LO

3. Model three: LPS*= LE+ LIR+ LO+ LM

تصحیح خطا دارای علامت منفی و در سطح یک درصد از نظر آماری معنادار است. بنابراین می‌توانیم نتیجه بگیریم که در هر دوره حدود ۱۳ درصد، انحراف رابطه‌ی کوتاه‌مدت از مسیر بلندمدت تعدیل می‌شود و رابطه کوتاه‌مدت در مسیر رابطه بلندمدت قرار می‌گیرد.

اثر تورم بر بازده سهام

با توجه به نتایج جدول (۶)، اثر تورم بر بازده اسمی سهام صنایع مختلف در کوتاه‌مدت و بلندمدت مثبت و معنادار است. در واقع نتایج بیانگر این است که بازده سهام صنایع مختلف ایران، طبق نظریه فیشر محافظ خوبی در برابر تورم است. علاوه بر این، ضریب اثرگذاری تورم در بلندمدت بالا است به این مفهوم که با یک درصد افزایش در نرخ تورم، حدود ۲/۱۸۹ درصد بازده سهام صنایع افزایش می‌یابد. تورم از کانال‌های تسهیل پولی، دارایی‌ها و فروش اسمی شرکت‌ها می‌تواند سبب افزایش قیمت سهام شود (گوردون^۲، ۱۹۶۲: آنتوناکاکیس و همکاران^۳، ۲۰۱۷). در واقع، تورم ارزش حقیقی دارایی‌ها را بالا می‌برد و ارزش حقیقی بدهی‌ها را کاهش می‌دهد زیرا بدهی‌ها به قیمت اسمی برای شرکت‌ها ثبت شده است. بنابراین تورم از کانال دارایی‌ها سبب افزایش ارزش شرکت‌ها می‌شود. علاوه بر این، تورم سبب افزایش فروش اسمی شرکت‌ها می‌شود که بر سود اسمی شرکت‌ها اثر می‌گذارد و منجر به افزایش بازده سهام می‌شود. تورم همچنین سبب رونق اقتصاد می‌شود و از کانال تسهیل پولی سبب افزایش سود سهام و قیمت سهام می‌شود. موسوی حقیقی و راغب (۱۳۹۳)، نیز بین تورم و بازده سهام ایران در دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ رابطه مثبت و معناداری پیدا کردند. برخی مطالعات در سایر کشورها نیز بین تورم و بازده سهام رابطه مثبتی بدست آوردند (اکاریو و همکاران^۴، ۲۰۲۱؛ هوی و همکاران^۵، ۲۰۲۱). جارنو و همکاران (۲۰۱۶)، نیز دریافتند که در شرایط رونق اقتصادی، اثرگذاری تورم بر بازار سهام بیشتر است.

اثر نرخ ارز بر بازده سهام

با توجه به نتایج جدول (۶)، نرخ ارز در کوتاه‌مدت اثر منفی بر بازده اسمی سهام صنایع دارد که البته از نظر آماری معنادار نیست. اما بین نرخ ارز و بازده سهام صنایع مختلف ایران در دوره مورد بررسی در بلندمدت رابطه مثبت و از نظر آماری معنادار وجود دارد. با افزایش نرخ ارز، صادرات افزایش می‌یابد و این سبب فروش بیشتر و سود شرکت‌های صادرات‌محور می‌شود. بنابراین بین نرخ ارز و بازده سهام صنایع مختلف در بلندمدت رابطه مثبتی وجود دارد. سرنو و همکاران^۶ (۲۰۲۲)، بین نرخ ارز و بازده سهام رابطه منفی کشف کردند. گوکمنگلو^۷ و همکاران (۲۰۲۱)، رابطه نامتقارنی بین نرخ ارز و بازار سهام در اقتصادهای نوظهور بدست آوردند.

اثر نرخ بهره بر بازده سهام

نتایج تجربی جدول (۶) نشان می‌دهد که بین نرخ بهره و بازده اسمی سهام صنایع مختلف در کوتاه‌مدت و بلندمدت رابطه منفی و از نظر آماری معنادار وجود دارد. بعلاوه اثر نرخ بهره بر بازده سهام در بلندمدت بیشتر است به طوری که با یک درصد افزایش نرخ بهره در بلندمدت، بازده سهام صنایع مختلف بیشتر از یک درصد کاهش می‌یابد. در واقع با افزایش نرخ بهره، سرمایه‌گذاری در بانک جذاب‌تر می‌شود که این باعث می‌شود، سرمایه‌گذاران که بدنبال حداکثر کردن سود خود هستند، سرمایه‌های خود را به سمت بانک هدایت کنند. در واقع می‌توان گفت که نگهداری پول به صورت سپرده یکی از بازارهای موازی و رقیب بازار مالی است و افزایش نرخ بهره، آسیب زیادی به بازار مالی وارد می‌کند. برخی مطالعات از نتایج ما حمایت می‌کنند. آسیدو و همکاران (۲۰۲۱)، نیز بین نرخ بهره و عملکرد بازار سهام غنا رابطه منفی بدست آوردند. پاپادامو و همکاران (۲۰۱۷)، نیز رابطه منفی بین نرخ بهره و بازده سهام بدست آوردند.

1. Hausman
2. Gordon
3. Antonakakis et al
4. Okorie et al
5. Huy et al
6. Sreenu et al
7. Gokmenoglu

اثر قیمت نفت بر بازده سهام

همانطور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بین قیمت نفت و بازده اسمی سهام صنایع در کوتاه‌مدت رابطه معناداری وجود ندارد. اما بین قیمت نفت و بازده سهام صنایع مختلف در بلندمدت رابطه منفی و معناداری برقرار است. از آنجایی که بخش قابل توجهی از درآمدهای ایران از صادرات نفت و درآمدهای ارزی و ریالی حاصل از آن تامین می‌شود، در پی تغییرات قیمت نفت، درآمدهای کشور نیز با بی‌ثباتی شدید مواجه می‌شود. بنابراین افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی سبب افزایش بی‌ثباتی اقتصادی ایران می‌شود، از این‌رو، افزایش قیمت نفت از کانال بی‌ثباتی، موجب کاهش قیمت سهام می‌شود. مطالعات زیادی بین قیمت نفت و بازده سهام رابطه منفی بدست آوردند (Kollias et al., 2013; Zhu et al., 2014; Das & Kannadhasan, 2020).

اثر نقدینگی بر بازده سهام

نتایج جدول (۶) نشان می‌دهد که، اثر نقدینگی بر بازده اسمی سهام صنایع در کوتاه‌مدت، در سطح ۵ درصد مثبت و معنادار است. بین نقدینگی و بازده سهام صنایع در بلندمدت نیز رابطه منفی و از نظر آماری معنادار برقرار است. نتایج نشان می‌دهد که سیاست پولی انبساطی آسیب زیادی به بازده سهام می‌رساند. به طوری که با یک درصد رشد نقدینگی، بازده سهام صنایع حدود ۰/۷۵۶ درصد کاهش می‌یابد. آگورلو-ییلدیریم و همکاران^۱ (۲۰۲۱)، نیز یک رابطه منفی بین سیاست پولی و بازده سهام ایالات متحده بدست آوردند. نتایج معادله سه (حذف تورم از معادله) در جدول (۶)، نشان می‌دهد که وقتی CPI از معادله حذف می‌شود نقدینگی در کوتاه‌مدت اثر مثبت و معناداری بر بازده اسمی سهام دارد و در بلندمدت رابطه معناداری بین نقدینگی و بازده اسمی سهام وجود ندارد. در واقع، نتایج بیانگر این هستند که وقتی نقدینگی و CPI در یک معادله هستند، در واقع، اثرات قیمتی را در نظر می‌گیرد و اثر نقدینگی خالص از تورم است. اما وقتی CPI از معادله حذف می‌شود، اثر قیمتی نقدینگی نیز پدیدار می‌شود.

تحلیل بیشتر

در این مطالعه، برای بررسی بیشتر، اثر تورم و نرخ بهره بر شاخص کل بازار با داده‌های سری زمانی از فروردین ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۴۰۰ با رویکرد ARDL بررسی شده است. نتایج در جدول (۷) ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج برآورد مدل بازده اسمی شاخص کل سهام در کوتاه‌مدت و بلندمدت با ARDL

متغیر	ضرایب	آماره t	ارزش احتمال
LTI L1	-۰/۰۴۳	-۲/۵۳	۰/۰۱۳
LCPI LR	۰/۰۳۵	۳/۱۷	۰/۰۰۰
LE LR	۱/۶۱۰	۲/۹۴	۰/۰۰۴
LIR LR	-۲/۴۸۱	-۲/۲۸	۰/۰۲۵
LO LR	۰/۶۳۸	۱/۱۲	۰/۲۶۵
LM LR	۰/۰۲۱	۰/۰۴	۰/۹۷۰
LTI LD	۰/۱۳۶	۱/۷۶	۰/۰۸۱
LCPI D1	۰/۰۱۳	۱/۶۹	۰/۰۹۴
LCPI LD	۰/۰۱۲	۱/۹۵	۰/۰۵۴
LCPI L2D	۰/۰۱۵	۲/۸۹	۰/۰۰۵

۰/۰۶۸	-۱/۸۴	-۰/۱۳۲	LIR D1
۰/۰۳۶	-۲/۱۳	-۰/۱۵۱	LIR LD
۰/۰۰۶	-۲/۷۹	-۰/۱۸۸	LIR L2D
۰/۹۹۴	-۰/۰۱	-۰/۰۰۰	LO D1
۰/۰۱۳	-۲/۵۳	-۰/۱۵۷	LO LD
۰/۷۲۴	۰/۳۵	۰/۰۲۲	LO L2D
۰/۰۰۰	-۳/۵۹	-۰/۲۲۳	LO L3D
۰/۸۸۷	-۰/۱۴	-۰/۰۳۸	عرض از مبدا
$R^2: 0.492$			
ARDL(2-3-0-3-4-0)			

نتایج جدول (۷)، نشان می‌دهد که تورم در بلندمدت اثر مثبت و معناداری بر شاخص کل بازار دارد. بین نرخ ارز غیررسمی و شاخص کل بورس نیز ارتباط مثبت و از نظر آماری معنادار وجود دارد. با افزایش نرخ بهره بین‌بانکی، شاخص کل بازار در بلندمدت کاهش می‌یابد. بین قیمت جهانی نفت و نقدینگی و شاخص کل در دوره مورد مطالعه، ارتباط معناداری برقرار نیست. در ادامه، اثر تورم و نرخ بهره بر بازده واقعی (نرخ رشد شاخص قیمت صنایع مختلف) با رویکرد Panel- ARDL بررسی شده است. نتایج در جدول (۸) ارائه شده است.

جدول ۸. نتایج بر آورد مدل بازده واقعی سهام صنایع در کوتاه‌مدت و بلندمدت با Panel- ARDL

متغیر	ضرایب	آماره Z	ارزش احتمال
LCPI	-۲۲/۶۰۵	-۶/۳۰	۰/۰۰۰
LE	۱۵/۳۲۲	۹/۳۴	۰/۰۰۰
LIR	-۵/۳۲۰	-۳/۰۰	۰/۰۰۳
LO	-۳/۲۶۵	-۲/۸۶	۰/۰۰۴
LM	۰/۲۳۶	۰/۱۲	۰/۹۰۵
ECT	-۰/۸۱۶	-۲۳/۱۴	۰/۰۰۰
D1 LCPI	-۸/۱۷۱	-۰/۵۹	۰/۵۵۴
D1LE	۰/۲۴۳	۰/۰۵	۰/۹۵۸
D1LIR	-۱۰/۶۸۱	-۴/۴۰	۰/۰۰۰
D1LO	۲/۰۱۳	۱/۰۸	۰/۲۸۲
D1LM	۰/۴۱۳	۰/۹۵	۰/۳۴۳
عرض از مبدا	-۲۴/۸۹۶	-۲۴/۶۳	۰/۰۰۰

نتایج جدول (۸)، بیانگر این است که اثر تورم بر بازده واقعی سهام در بلندمدت منفی است. بنابراین نتایج نشان می‌دهد گرچه در بلندمدت تورم سبب افزایش بازده اسمی سهام می‌شود اما بازده واقعی سهام را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که بین نرخ ارز غیر رسمی و بازده واقعی سهام رابطه مثبت و از نظر آماری معناداری وجود دارد. نرخ بهره بین‌بانکی سبب کاهش بازده واقعی سهام می‌شود. بین قیمت جهانی نفت و بازده واقعی سهام رابطه منفی و معناداری برقرار است. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که نقدینگی در بلندمدت بر بازده واقعی سهام اثرگذار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

در این مقاله، تاثیر تورم و نرخ بهره بر بازده سهام صنایع مختلف با رویکرد Panel-ARDL با داده‌های ماهانه طی دوره فروردین ۱۳۸۹ تا اسفند ۱۴۰۰ بررسی شد. این رویکرد در شرایطی که درجه همگرایی متغیرها طی زمان متفاوت است بهتر می‌تواند اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تورم و نرخ بهره را بر بازده سهام صنایع نشان دهد.

نتایج برآورد مدل نشان می‌دهد که افزایش تورم در کوتاه‌مدت و بلندمدت سبب افزایش بازده اسمی سهام صنایع مختلف و افزایش شاخص کل بازار می‌شود. در واقع نتایج از فرضیه فیشر مبنی بر اینکه بازده اسمی سهام صنایع مختلف ایران، محافظان مناسبی در برابر تورم است، حمایت می‌کند. زیرا، تورم می‌تواند ارزش دارایی‌های شرکت‌ها را در مقابل بدهی‌ها افزایش دهد. تحلیل بیشتر نشان داد که گرچه تورم بر بازده اسمی سهام تاثیر مثبت دارد اما بازده واقعی سهام را کاهش می‌دهد. نرخ بهره اسمی، هم بر بازده اسمی و هم واقعی سهام صنایع مختلف در کوتاه‌مدت و بلندمدت تاثیر منفی معنی‌داری داشته و مقدار این تاثیر در بلندمدت بیشتر از کوتاه‌مدت است. نتایج تجربی مطالعه همچنین نشان داد که نرخ ارز اسمی بر بازده اسمی و واقعی سهام در بلندمدت تاثیر مثبت و معناداری دارد. قیمت نفت در بلندمدت بر بازده سهام صنایع تاثیر منفی و معنی‌داری دارد. نقدینگی در کوتاه‌مدت تاثیر مثبت بر بازده اسمی و واقعی سهام داشته اما در بلندمدت بر بازده اسمی سهام تاثیر منفی و معنی‌داری دارد و بر بازده واقعی سهام در بلندمدت رابطه معناداری ندارد. این مطالعه، خلا مطالعات قبلی را در رابطه با واکنش بازده صنایع مختلف به تورم و نرخ بهره تکمیل می‌کند. بعلاوه، نتایج این مطالعه، پیامدهای سیاستی مهمی در اختیار سرمایه‌گذاران و مقامات پولی کشور قرار می‌دهد.

از آنجایی که بازده سهام منعکس‌کننده وضعیت فعال بودن بازار است (Geetha et al., 2011) و از طرفی متغیرهای کلان اقتصادی می‌توانند بازده سهام را تحت تاثیر قرار بدهند، بنابراین این مطالعه پیشنهادهایی برای افزایش بازده سهام و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران بالقوه به بازار سرمایه ارائه می‌دهد. بعلاوه مقامات پولی ایران باید در هنگام سیاست‌گذاری و اجرای سیاست‌های پولی، واکنش بازار سرمایه نسبت به سیاست‌های مذکور را مدنظر قرار بدهند. علاوه بر این، برای مطالعات آینده، شناسایی بخش‌هایی که محافظان بهتری در برابر تورم هستند، سرمایه‌گذاران را در تصمیم‌گیری بهتر و طراحی استراتژی‌های موثر برای کاهش ریسک سبد دارایی یاری می‌کند. پیامدهای سیاستی در رابطه با مدیریت ریسک و تخصیص دارایی، می‌تواند پیامدهایی را در رابطه با انتقال سیاست پولی نیز ارائه دهد.

اظهاریه قدردانی: تشکر و قدردانی از داوران و ویراستاران نشریه برنامه‌ریزی و بودجه.

منابع

- ابری، مهدی، سامتی، مرتضی و دلبری، مهدی (۱۳۸۱). کاربرد مدل فرآیند تحلیل سلسله مراتبی (AHP) در تعیین معیارهای مؤثر بر انتخاب سهام در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۷(۵)، ۲۷-۳.
- پاشایی‌فام، رامین & امیدپور، رضا (۱۳۸۸). بررسی تأثیر نرخ تورم بر بازده واقعی سهام در اقتصاد ایران، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۵۰(۱۷)، ۹۳-۱۱۴.
- پدرام، مهدی، موسوی، میرحسین & عباسی‌عقدا، سحر. (۱۳۹۵). اثرات نامتقارن نرخ بهره بر شاخص قیمت سهام ایران، مطالعات مدیریت و حسابداری، ۴(۲)، ۱۶۲-۱۷۱.
- پورکاظمی، محمدحسن، بیرانوند، امین & دلفان، محبوبه. (۱۳۹۴). تعیین عوامل تأثیرگذار بر تورم و طراحی سیستم هشداردهنده تورم شدید برای اقتصاد ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۲۳(۷۶)، ۱۴۵-۱۶۶.
- تفضلی، فریدون. (۱۳۹۳). اقتصاد و نظریه‌ها و سیاست‌های اقتصادی، چاپ دوم، تهران، نشر نی.
- طیبی‌ثانی، احسان و نرزشتی، امین. (۱۴۰۱). اثرات غیرخطی نرخ بهره بر شاخص کل بازار سهام در اقتصاد ایران رهیافت تغییر رژیم مارکوف، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۳۷(۱۰)، ۱۱۳-۱۳۶.
- عظیمی سیدرضا، میری‌طامه اشرف سادات، تقی‌زاده خدیجه، صمدی رضا. (۱۳۹۲). بررسی روند و علل تورم در ایران در سال‌های (۱۳۸۹-۱۳۹۱) و اقدامات صورت‌گرفته برای مهار آن، فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی، ۱(۱)، ۲۵-۵۸.

عثمانی، فریبا، چشمی، علی، صالح‌نیا، نرگس و محمدطاهر احمدی شادمهری (۱۴۰۱). اثر متغیر طی زمان تورم بر شاخص صنعت (شواهدی از بازار سهام ایران)، پژوهشنامه اقتصاد صنعتی، ۶(۲۰)، ۲۷-۳۹.

هادی‌پور، حسن، پایتختی اسکویی، علی و رحمانی، کمال‌الدین (۱۴۰۰). ع وامل موثر بر شاخص بی‌ثباتی در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه برنامه‌ریزی و بودجه، ۲۶(۳)، ۱۳۱-۱۵۴.

مهدی‌آبادی، محمد & محمدی‌پور، رحمت اله. (۱۳۹۸). تعیین اثر غیرخطی نرخ بهره بازار پول بر بازار سرمایه با استفاده از مدل واریانس ناهمسانی شرطی خودهمبسته و مدل رگرسیون انتقال ملایم. مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ۴۰(۱۰)، ۱۲۶-۱۵۱.
موسوی‌حقیقی، محمدحاشم & راغب، مریم. (۱۳۹۳). اثر نرخ تورم بر عملکرد بازار سهام در ایران، فصلنامه پژوهش‌های پولی-بانکی، ۷(۱۹)، ۱۲۵-۱۴۲.

Alqaralleh, H. (2020). Stock return-inflation nexus; revisited evidence based on nonlinear ARDL. *Journal of Applied Economics*, 23(1), 66–74.

Antonakakis, N., Gupta, R., & Tiwari, A. K. (2017). Has the correlation of inflation and stock prices changed in the United States over the last two centuries?. *Research in International Business and Finance*, 42, 1-8.

Asiedu, E. L., Mireku-Gyimah, D., Kamasa, K., & Otoo, H. (2021). Interest rate, inflation and stock market performance in Ghana: a sector based vector error correction model perspective. *African Journal of Business and Economic Research*, 16(1), 185. <https://journals.co.za/doi/epdf/10.31920/1750-4562/2021/v16n1a8>

Azam, M., & Raza, S. A. (2016). Do workers' remittances boost human capital development? *The Pakistan Development Review*, 123-149. <https://www.jstor.org/stable/44986034>.

Bai, Z. (2014). Study on the Impact of Inflation on the Stock Market in China. *International Journal of Business and Social Science*, 5(7), 261-271.

Belsley, D.A., Kuh, E., & Welsch, R.E., (2005). *Regression diagnostics: Identifying influential data and sources of collinearity* (Vol. 571. <http://dx.doi.org/10.1002/0471725153>): John Wiley & Sons.

Breusch, T. S., & Pagan, A. R. (1980). The Lagrange multiplier test and its applications to model specification in econometrics. *The review of economic studies*, 47(1), 239-253. <https://doi.org/210.2307/2297111>.

Das, D., & Kannadhasan, M. (2020). The asymmetric oil price and policy uncertainty shock exposure of emerging market sectoral equity returns: a quantile regression approach. *International Review of Economics & Finance*, 69, 563-581.

Fama, E. F. (1981). Stock returns, real activity, inflation, and money. *The American economic review*, 71(4), 545-565. <https://www.jstor.org/stable/1806180>

Feldstein, M., 1980. Inflation and the stock market. *The American Economic Review*, 70(5), 839–847.

Fisher, I. (1930). *Theory of interest: as determined by impatience to spend income and opportunity to invest it*. Augustusm Kelly Publishers, Clifton. <https://dspace.gipe.ac.in/xmlui/bitstream/handle/10973/174/1-ISEC010193.pdf?sequence=1&isAllowed=y>

Geetha, C., Mohidin, R., Chandran, V. V., & Chong, V. (2011). The relationship between inflation and stock market: Evidence from Malaysia, United States and China. *International journal of economics and management sciences*, 1(2), 1-16.

Gokmenoglu, K., Eren, B. M., & Hesami, S. (2021). Exchange rates and stock markets in emerging economies: new evidence using the Quantile-on-Quantile approach. *Quantitative Finance and Economics*, 5(1), 94-110.

Gordon, M. J., 1962. *The investment, financing and valuation of the corporation*. Homewood, IL: R.D. Irwin.

Gupta, R., and Inglesi-Lotz, R., 2012. Macro Shocks and Real US Stock Prices with Special Focus on the "Great Recession". *Applied Econometrics and International Development*, 12 (2), 123-136.

Hausman, J.A. (1978). "Specification tests in econometrics. *Econometrica*", *Journal of the Econometric Society*, pp.1251-1271.

Huy, D. T. N., Nhan, V. K., Bich, N. T. N., Hong, N. T. P., Chung, N. T., & Huy, P. Q. (2021). Impacts of internal and external macroeconomic factors on firm stock price in an expansion econometric model—a case in Vietnam real estate industry. In *Data Science for Financial Econometrics* (pp. 189-205). Springer, Cham.

Jareño, F., Ferrer, R., & Miroslavova, S. (2016). US stock market sensitivity to interest and inflation rates: a quantile regression approach. *Applied Economics*, 48(26), 2469-2481.

Jelilov, G., Iorember, P. T., Usman, O., & Yua, P. M. (2020). Testing the nexus between stock market returns and inflation in Nigeria: Does the effect of COVID-19 pandemic matter?. *Journal of Public Affairs*, 20(4), e2289.

- Kao, C. (1999). Spurious regression and residual-based tests for cointegration in panel data. *Journal of Econometrics*, 90(1), 1-44. [https://doi.org/10.1016/S0304-4076\(1098\)00023-00022](https://doi.org/10.1016/S0304-4076(1098)00023-00022).
- Kollias, C., Kyrtou, C., Papadamou, S., 2013. The effects of terrorism and war on the oil price–stock index relationship. *Energy Econ.* 40, 743–752.
- Lucey, B. M., Sharma, S. S., & Vigne, S. A. (2017). Gold and inflation (s)–A time-varying relationship. *Economic Modelling*, 67, 88-101.
- Mankiw, N. G. (2015). Yes, $r > g$. So what?. *American Economic Review*, 105(5), 43-47.
- Mehrotra, A & Schanz, J, (2020), Financial market development, monetary policy and financial stability in emerging market economies, BIS Papers, No 113.
- Modigliani, F., and Cohn, R. A., 1979. Inflation rational valuation and the market. *Financial Analysts Journal*, 35, 24–44.
- Okorie, I. E., Akpanta, A. C., Ohakwe, J., Chikezie, D. C., Onyemachi, C. U., & Ugwu, M. C. (2021). Modeling the relationships across Nigeria inflation, exchange rate, and stock market returns and further analysis. *Annals of Data Science*, 8(2), 295-329. <https://link.springer.com/article/10.1007/s40745-019-00206-7>.
- Papadamou, S., Sidiropoulos, M., & Spyromitros, E. (2017). Interest rate dynamic effect on stock returns and central bank transparency: Evidence from emerging markets. *Research in International Business and Finance*, 39, 951-962.
- Pedroni, P. (1999). Critical values for cointegration tests in heterogeneous panels with multiple regressors. *Oxford Bulletin of Economics and statistics*, 61(S1), 653-670. <https://doi.org/610.1111/1468-0084.0610s1653>.
- Pesaran, M.H. & Shin, Y. (1998). “An autoregressive distributed-lag modelling approach to cointegration analysis”, *Econometric Society Monographs*, 31, pp.371-413.
- Pesaran, M.H. (2007). A simple panel unit root test in the presence of cross-section dependence. *Journal of Applied Econometrics*, 22(2):265-312. <https://doi.org/210.1002/jae.1951>.
- Rapach, D. E., and Weber, C.E., 2004. Financial Variables and the Simulated Out-of-Sample Forecastability of U.S. Output Growth Since 1985: An Encompassing Approach. *Economic Inquiry*, 42(4), 717–738.
- Rapach, D., and Zhou, G., 2013. Forecasting Stock Returns. *Handbook of Economic Forecasting*, Volume 2A, Graham Elliott and Allan Timmermann (Eds.) Amsterdam: Elsevier, 328–383.
- Sreenu, N., Rao, K. S., & Naik, S. (2022). IMPACT OF EXCHANGE RATE AND INFLATION RATE ON STOCK MARKET RETURN VOLATILITY IN INDIA. *Academy of Marketing Studies Journal*, 26, 1-11.
- Stock, J.H., and Watson, M.W., 2003. Forecasting Output and Inflation: The Role of Asset Prices. *Journal of Economic Literature*, XLI, 788-829.
- Ugurlu-Yildirim, E., Kocaarslan, B., & Ordu-Akkaya, B. M. (2021). Monetary policy uncertainty, investor sentiment, and US stock market performance: New evidence from nonlinear cointegration analysis. *International Journal of Finance & Economics*, 26(2), 1724-1738.
- Valcarcel, V. J., 2012. The dynamic adjustments of stock prices to inflation disturbances. *Journal of Economics and Business*, 64, 117– 144
- Zafar, N., Urooj, S. F., & Durrani, T. K. (2008). Interest rate volatility and stock return and volatility. *European journal of economics, finance and administrative sciences*, 14(1), 135-140.
- Zhu, H.-M., Li, R., & Li, S., 2014. Modelling dynamic dependence between crude oil prices and Asia-Pacific stock market returns. *Int. Rev. Econ. Financ.*, 29, 208-223.